

رناتی: آیت‌الله طاهری سرمایه‌ای که ناتمام ماند

هرگاه از خیابان مصلای اصفهان می‌گذرم و چشمم به سازه‌های ناتمام مسجد مصلای اصفهان می‌افتد به یاد آیت‌الله سید جلال الدین طاهری اصفهانی (که رحمت خدا بر او باد) می‌افتم، سرنوشت این بنا و سرنوشت آیت‌الله، شیاهت عجیبی به هم دارند.

تاریخ: ۱۴۹۳ خرداد ۹:۱۹

کد خبر: ۱۹۰۳۰۵

اعتماد: نمی‌دانم چرا این خاک و مردمانش، تا این پایه سرمایه‌کشند. مسجد مصلی، مسجدی تاریخی و خاکی بود که تاریخی به درازای تخت فولاد اصفهان داشت. مسجدی باشکوه به وسعت چند هکتار با دیوارهای خاکی، کف خاکی و رواق‌های خشت‌وگلی و همین خاکی بودن همه‌چیز و همه جای مسجد بود که به آن شکوه می‌داد. در ماههای انقلاب این مسجد میعادگاه انقلاب در شهر اصفهان بود و البته این مسجد با نام آیت‌الله طاهری گره خورده بود که نماز جمعه‌های آتشینش را در آن برگزار می‌کرد. هنوز خاطرمن هست روزی که از زندان آزاد شده بود و برفراز دست مردم به این مسجد وارد شد.

امروز اما آن مسجد در تسخیر سازه‌های سیمانی و فلزی، سادگی و شکوه خود را از دست داده است و این سازه‌های ناتمام که کمک خودشان دارند تاریخی می‌شوند به نمادی از «ناتمامی همه‌چیز» در سالهای پس از انقلاب تبدیل شده‌اند. بودجه عظیمی صرف سرمایه‌گذاری در این مسجد شد و اکنون به علت بی‌تدبیری یا بی‌بودجه‌یی یا... این سازه عظیم سال‌هاست تقریباً رها شده است. همان سرنوشتی که عیناً بر سر آیت‌الله طاهری رفت.

آیت‌الله طاهری هم در اصفهان سرمایه نمادینی بود که ناتمام ماند. پروژه عظیمی که همین عظمتیش موجب شد خیلی‌ها در برابر کم بیاورند.

خیلی تخریبیش کردند اما این سازه آنقدر عظیم بود که هر چه تیشه خورد نه تنها تکان نخوردکه صیقل یافت و دریغ که ما مردمان عادت داریم که چه هزینه‌ها و چه سرمایه‌ها بنا کنیم و بعد خودمان در نخستین فرست که احساس کردیم دیگر آن سرمایه‌ها به کارمان نمی‌آیند یا در راستای منافع ما نیستند دست به تخریب‌شان ببریم، بدون آنکه فکر کنیم اینها سرمایه‌های ملی و نمادین هستند و عیناً بسان میدان نقش جهان و تخت جمشید باید محافظت‌شان کنیم.

تشکیل یک سرمایه نمادین، بسیار هزینه بر و زمانبر است. به راحتی یک سرمایه نمادین شکل نمی‌گیرد که اجازه بدھیم به راحتی تخریب شود. راستی چرا یادم رفت اول مفهوم «سرمایه نمادین» را معرفی کنم؟

هر گاه یک سرمایه اقتصادی، مثل یک ساختمان، یک میدان یا یک مجسمه، یا یک سرمایه فرهنگی مثل یک تابلوی نقاشی، یا یک سرمایه انسانی مثل یک استاد، یک پزشک، یک مرجع، یک مخترع، یک هنرمند، یک موسیقیدان و یک ورزشکار به مرز شهرت همراه با احترام و افتخار برسد، تبدیل می‌شود به یک سرمایه نمادین.

ویژگی آن چیست؟ وقتی که یک سرمایه اقتصادی یا انسانی یا فرهنگی به یک سرمایه نمادین تبدیل می‌شود، توانایی آن را دارد که سایر سرمایه‌های آن جامعه را دور هم جمع بکند، انبیا شدند و به همکاری و ادارد و از انبیا شدند و همکاری آن سرمایه‌ها برای آن جامعه ارزیش‌های تازه ایجاد کند و فرسته‌های تازه‌یی بیافرینند. اینها کارکردهای سرمایه‌های نمادین در زمان‌هایی عادی است. اما در زمان‌هایی بحران یعنی زمانی‌که جامعه بیثبات می‌شود و اوضاع به هم می‌زدید، این سرمایه‌ها می‌توانند مانند یک لنگر کشتنی، جامعه را باثیات نگه دارند. شکل‌گیری این سرمایه‌ها زمان زیادی می‌برد.

میدان نقش جهان، پل خواجو یا سی و سه پل که در گذشته سرمایه‌های اقتصادی بوده‌اند امروز برای ما سرمایه‌های نمادین هستند. مولوی، حافظ، فردوسی و سعدی که در گذشته سرمایه‌های فرهنگی این جامعه بوده‌اند امروزه تبدیل به سرمایه نمادین شده‌اند. یا مصدق، امیرکبیر، شریعتی و امثال آنها سرمایه‌های انسانی و سیاسی بوده‌اند که اکنون برای جامعه ما سرمایه نمادین شده‌اند.

در بین هنرمندان زنده استاد شجریان و استاد فرشچیان نمونه‌های هنرمندانی هستند که به سرمایه‌های نمادین تبدیل شده‌اند. سرمایه‌های نمادین می‌توانندهم در سطح خانواده، هم در سطح محلی، هم در سطح منطقه و هم در سطح ملی و بین‌المللی تولید شوند.

آیت‌الله طاهری، یکی از شخصیت‌هایی بود که ظرفیتیش در سطح یک سرمایه نمادین ملی بود. اما او ایثار کرد و در اصفهان ماند و یا پیروزی انقلاب به تهران مهاجرت نکرد، در حالی که می‌توانست با رفتن به تهران جایگاه بالایی در حکومت بگیرد یا با فعالیت در سطح ملی به سرمایه نمادین ملی تبدیل شود. اما او چشم از همه مقامات شست و در اصفهان ماند و به راه خویش - راهی که درست می‌دانست - رفت و دریغ که فعالان سیاسی و مدنی اصفهان، روشنفکران و دیگر کسانی که با ایشان در ارتباط بودند، نتوانستند به نحو

مطلوبی از این سرمایه نمادین بهره ببرند.

آیت‌الله طاهری از معدود شخصیت‌های سیاسی بعد از انقلاب بود که نه تنها هیچ بهره‌برداری اقتصادی از انقلاب نکرد بلکه بخش بزرگی از سرمایه و دارایی خود را که از اجدادش به ارث رسیده بود صرف انقلاب و پس از انقلاب صرف امور خیریه کرد. نادرند چنین شخصیت‌هایی که از رانت انقلاب بهره نبردند و زندگی و سرمایه‌های شخصی خود را نیز خرج مردم کردند.

اوهم به لحاظ شخصیتی و وجودی وهم از نظر اجتماعی، ظرفیت‌های برجسته‌یی داشت که او را به سرمایه‌یی نمادین تبدیل کرد. اما از یک طرف بی‌توجهی نخبگان شهر اصفهان به این سرمایه عظیم نمادین، از طرف دیگر جدی نگرفتن این سرمایه نمادین از طرف خودشان و از سوی دیگر نیز بداخل‌اقوی و بی‌اخلاقی مخالفان و متقدان ایشان، باعث شد که از ظرفیت‌های ایشان در حد اکثر ممکن استفاده نشود و این سرمایه نمادین به نحو مطلوبی برای توسعه و ارتقای جامعه مدنی و نظام سیاسی کشور و اخلاق و رفاه شهر و ندان استان اصفهان استفاده نشود.

سرمایه نمادین زمانی مفید است که مورد استفاده قرار بگیرد. پل خواجو یا میدان نقش جهان زمانی می‌تواند مفید باشد و ارزش اقتصادی دارد که مورد بازدید توریست‌های داخلی و خارجی قرار بگیرد.

اگر دور میدان نقش جهان دیوار بکشیم ارزش اقتصادی و اجتماعی آن از دست می‌رود و به نوعی از یادها می‌رود. شخصیت‌های نمادین هم همین‌گونه هستند. اگر از شخصیت‌های نمادین در جایگاه خود به صورت متنابض استفاده نشود، کمک از سرمایه آنها کاسته می‌شود. سرمایه نمادین آیت‌الله طاهری از قبل از انقلاب شروع به شکل گرفتن کرد و با منصب شدن به عنوان امام جمعه اصفهان، با اعتماد مردم و انتخاب شدن به عنوان عضو خبرگان رهبری توسط مردم اصفهان، این سرمایه انباشت شد.

درسي که از زندگی آیت‌الله طاهری می‌توان گرفت این است که چهره‌های برجسته در تصمیمات اجتماعی خود خیلی باید مراقبت کنند و سرمایه اجتماعی و نمادین خود را به مثابه یک سرمایه شخصی نبینند که با آن هر کاری می‌توانند بکنند. سرمایه‌های نمادین محصول اقدام جمعی مردمان یک جامعه است و بنابراین با آنها نباید به عنوان سرمایه‌های شخصی برخورد کنیم.